

## ***Culioli's Philosophical Approach***

*Jinuss Shirvan<sup>1</sup>*

*The theory of "Enunciation" presented by Antoine Culioli takes the grammatical categories of natural languages into consideration and aims at presenting explanations for the questions put forward. The afore mentioned theory rests on experiential principles. In the philosophical and scientific framework adopted by Culioli issues such as metalanguage, the asymmetry between production and recognition and the concept of lexis are important. In exploring this theory, certain issues such as formalization, the formulation of linguistic act, the problem of meaning and the theory of linguistic operation and Culioli's philosophical approach are introduced.*

***Key Words:*** *metalanguage, formalization, recognition, linguistic operation*

---

<sup>1</sup> - Faculty member, Islamic Azad University, Tehran Central Branch  
Jinuss\_shirvan@yahoo.fr

# نگرش فلسفی آنتوان کولیولی

ژینوس شیروان<sup>۱</sup>

## چکیده

نظریه بیانی کولیولی با مد نظر قرار دادن مقوله‌های دستوری زبان‌های طبیعی و با طرح سوال‌های بنیادی تلاش می‌کند تا به تبیین‌هایی دست یابد. این نظریه بر اصول تجربی مبتنی است. در بررسی چارچوب فلسفی و علم شناختی نظریه کولیولی برخی مسائل از جمله، مسئله فرازبان، عدم تقارن بین تولید و بازشناخت و طرح مفهوم واژگان از جایگاه حائز اهمیتی برخوردارند. در شناخت این نظریه، سعی شده است تا از خلال دیدگاه‌های دیگر، مسئله صوری سازی، ساختاربندی فعالیت زبانی، طرح مسئله معنا و در نهایت نظریه عملکرد ارائه شده از سوی کولیولی به همراه نگرش فلسفی وی معرفی شود.

**واژگان کلیدی:** فرا زبان، مفهوم بنیادی، نظام ارجاعی، صوری سازی، علم شناسی

## ۱- مقدمه

نظریه کولیولی<sup>۲</sup> به عنوان نظریه‌ای در تقابل با نظریه‌های پیش از آن قرار نمی‌گیرد. این نظریه با مسائل حل شده و آنهایی که در گذشته تجزیه و تحلیل شده‌اند، به طور کامل قطع ارتباط نمی‌کند. در این مقاله سعی شده است تا از خلال مقاله‌های کولیولی و سایر زبان‌شناسانی که در مورد دیدگاه وی مطالبی نگاشته‌اند، چارچوب فلسفی و علم شناختی اتخاذ شده از سوی وی معرفی شود. ژان پیر دکله<sup>۳</sup> اشاره می‌کند که از زمان رواقیون<sup>۴</sup> و سپس با گذر از پورت رویال، بررسی مقابله‌ای میان زبان‌های هند و اروپایی، ساختگرایی، بازنمودهای متفاوت دستور زایشی، نظریه‌های کنش کلامی و

---

۱- عضو هیئت علمی و مدیر گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Jinuss\_shirvan@yahoo.fr

<sup>2</sup>-Théorie d'Antoine Culioli

<sup>3</sup>-Jean-Pierre Desclés

<sup>4</sup>-Stoiciens

غیره مورد توجه قرار گرفته است. مسائلی که کولیولی مطرح کرده است جنبه کلاسیک و ریشه در گذشته دارد (۱۹۹۲: ۲۰۵). این نظریه، به عنوان موضوع اصلی مطالعه، عملیات بیانی را مد نظر قرار نمی‌دهد، مقصود عملیاتی است که از انتخاب نظری و علم شناختی<sup>۱</sup> مشخص و از یک موضع گیری مهم تاریخی ناشی می‌شود. این نظریه، عمدتاً، بر اساس مقوله‌های دستوری زبان‌های طبیعی قرار دارد و آشکار ساختن متغیرهای زبان را در نظر می‌گیرد (همانجا: ۲۰۵). دکله برای معرفی خطوط علم شناختی نظریه کولیولی به چند اصل که بیانگر اهداف علم شناختی این نظریه است اشاره می‌کند:

اصل اول این است که اگر از پیش، سوال‌ها به روشنی مطرح نشوند، پاسخی وجود نخواهد داشت. اصل دوم بیانگر آن است که بدون طرح مسئله، پیشرفتی صورت نمی‌گیرد. اصل سوم مبین آن است که بدون بازگشت به آنچه مشاهده شده است، نظریه ارزشمندی ارائه نخواهد شد (منظور نظریه‌ای است که بر اساس اصول تجربی قرار دارد). اصل چهارم این است که هر نظریه تجربی باید امکانی برای داده‌های جانشین فراهم آورد و از سوی دیگر قادر باشد با نظریه‌های دیگر و با مسائل آنها رو به رو شود، به خصوص در جایی که برخی نظریه‌ها سکوت اختیار کرده‌اند یا دچار مشکل شده‌اند راهکاری ارائه دهد (همانجا: ۲۰۳).

توجه به این اصول، بحث‌های مختلف در زمینه مکاتب زیانشناسی را هدایت و نظام‌مند می‌کند. تفاوت بین مکاتب، بیشتر به تفاوت‌های موضوع مورد بررسی و روش‌های تحلیل باز می‌گردد. توجه به موضوع‌های مختلف، اغلب امکان مقایسه میان نظریه‌ها را غیر ممکن می‌سازد. نظریه‌ای، اساس روانشناختی دارد و بر محور یادگیری شکل می‌گیرد، نظریه دیگر بر محور تحلیل زبان گفتاری استوار است، نظریه‌ای فقط به جنبه‌های آوایی زبان می‌پردازد و نظریه دیگر بر پیوستگی کلامی در مکالمه تاکید می‌کند. ضروری است این نظریه‌ها با عناصر قابل مشاهده تجربی و با جواب‌هایی که نظریه‌های متفاوت در مورد یک موضوع ارائه داده‌اند، رو به رو شوند. نظریه کولیولی از این قواعد پیروی می‌کند (همانجا: ۲۰۳-۲۰۴).

سیلون او رو<sup>۲</sup> معتقد است برای پاسخ به این سوال که زیانشناس چه کسی است؟ باید توجه داشته باشیم که زیانشناس فردی است که حرفه‌ای مشخص دارد و به وسیله هم تراز هایش زیانشناس شناخته می‌شود. درست مثل یک فیزیکدان که باید بتواند امور تجربی را سامان دهد، رابطه‌ها را ایجاد کند، تعمیم‌های خوب به کار ببرد، بدون آنکه توضیح دهد که چرا این کار را می‌کند. کافی نیست که زیانشناس دائماً تکرار کند که زبان صورت است و نه جوهر. زیانشناس بودن یعنی با پدیده‌ها رو به رو شدن و مثال‌های واقعی ارائه دادن. حرفه زیانشناس در دانشی ریشه دارد که ضمنی است و نظریه بر آن استوار است (۱۹۹۲: ۵۵-۵۶).

<sup>۱</sup>- Epistémologique

<sup>۲</sup>- Sylvain Auroux

دکله نظریه کولیولی را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر وی، ژان کلود میلنر<sup>۱</sup> برخی جنبه‌های نظریه کولیولی را بر مبنای نظریه جایگاه‌های نحوی مطالعه کرده است. به نظر وی سیلون اورو نظریه کولیولی را از بیرون و از دیدگاه علم شناسی بررسی کرده است و نهایتاً این نظریه را طبیعی‌گر/ می‌نامد (۱۹۹۲: ۲۰۴).

دکله با نوعی ارزشیابی درونی سعی می‌کند تا نظریه کولیولی را در چارچوب زبان‌شناسی همگانی قرار دهد. این طبقه‌بندی به ویژه از آن رو صورت گرفته که کولیولی نظریه‌اش را مطالعه زبان از طریق درک گوناگونی زبان‌های طبیعی، توصیف کرده است (همانجا: ۲۰۴).

## ۲- طرح مسائل بنیادی

به منظور بررسی چارچوب فلسفی و نظری کولیولی باید پاره‌ای از مسائلی که وی طرح کرده و به دنبال حل آن است، مطرح شود. مسئله اول رابطه یک زبان و زبان‌های دیگر است. کولیولی خود را متعلق به نسلی می‌داند که معتقد است زبان‌شناسی رشته‌ای (اشاره به علم نمی‌کند) است که به توصیف زبان‌ها می‌پردازد و تنوع زبان‌ها اهمیت زیادی دارد و همزمان موضوع جالبی است. مسئله این است که باید یک نظریه زبانی برای تجزیه و تحلیل همه زبان‌ها در اختیار داشته باشیم.

مسئله دیگر، فرازبان است. در ارتباط با نظام فرازبانی این سوال اهمیت دارد که آیا باید نظامی برای بازنمود فرازبان شناختی زبان ایجاد نمود، یا اینکه این نظام به طور کلی درجه‌ای از استقلال دارد، یا آنچه در اختیار ما است، مورد استفاده قرار می‌دهیم؟ آنچه کولیولی در این زمینه انجام داده و تاکنون ادامه دارد، بسط نظام بازنمود فرازبان شناختی<sup>۲</sup> است.

او به این نکته اشاره می‌کند که بین تولید<sup>۳</sup> و بازشناخت<sup>۴</sup> عدم تقارن وجود دارد. همچنین نظام دیگری وجود دارد که مبتنی بر تمایز نحو و معناست. در این ارتباط دو مسئله خلط می‌شود: از یک سو مشکل صورت که بدون آن، نظام نمی‌تواند متن ساخته شده را ارائه دهد و از سوی دیگر مسائلی که به نحو و معنا شناسی مربوط می‌شود و به صورت نادرستی تعریف شده است. مشکل دیگری که در گذشته مطرح شده، مسئله بررسی مفهوم است که بدون وجود ابزار نظریه پردازی بدان پرداخته شده است (کولیولی، ۱۹۹۲: ۵-۶).

<sup>۱</sup> - Jean-Claude Milner

<sup>۲</sup> - Système de représentation métalinguistique

<sup>۳</sup> - Production

<sup>۴</sup> - Reconnaissance

با طرح مفهوم واژگان<sup>۱</sup> به عنوان یکی از انواع نقش گفته و روابط زبانی/اسنادی<sup>۲</sup> که خود به گفته‌ها<sup>۳</sup> بدل می‌شود، کولیولی در تلاش بود تا نظامی بازنمودی بسازد که در ارتباط با مجموعه‌ای قرار گیرد که به صورت قانونمند تحقق یافته است و به وسیله فرایندهای میان موضوع‌ها سامان می‌یابد. هر بار که گفته‌ای ادا می‌شود، ضرورتاً در شبکه‌ای از روابط و امکانات قرار می‌گیرد و به گونه‌ای به منشا و به روندهای تولید آن رجعت می‌یابد. هر گفته امکانات بالقوه‌ای را فراهم می‌کند. البته نه در این نقش سلبی بلکه در نقشی ایجابی و به این دلیل که دال بر حضور است. اگر از گویشوری در مورد گفته‌ای سوال شود، او جواب می‌دهد: پذیرفتنی/است یا پذیرفتنی نیست و اغلب آنها به طور نسبی پاسخ می‌دهند، نه دقیق. گفته، واژه نیست، رابطه‌ای اسنادی نیز نیست، حتی اگر آن را صرفاً برای راحتی به کار ببریم. در واقع، کولیولی تکرار می‌کند که واژگان گونه‌ای طرحواره است که مسیرهای ممکن را فراهم می‌کند تا در فاصله آنها به سمتی سوق داده شویم، شرایطی متفاوت، برخی معین، برخی تصادفی را انتخاب می‌کنیم، که برخی از آن مسیرها ضرورتاً باید طی شوند(همانجا: ۷-۶).

در مورد برخی مسائل مثل، نمود<sup>۴</sup>، تعیین<sup>۵</sup>، وابستگی دستوری<sup>۶</sup>، کولیولی معتقد است که ساختی مختلط یا ترکیبی داریم، به این معنا که اینها بازنمودهایی هستند که مختصه‌های بی‌ثبات و موقتی دارند. به عنوان مثال، وی به quelque(برخی) در زبان فرانسه اشاره می‌کند. در اینجا، با عنصری نامعین رو به رو هستیم که به نظر می‌رسد مختصه‌های ثابتی ندارد. برای مثال، جمله:

Quelque personne a dû oublier de faire cela.

یک شخصی باید فراموش کرده باشد که این کار را بکند.

Je m' imagine quelque colonel.

خودم را نوعی سرگرد می‌بینم.

البته، مختصه‌های فعل imaginer را باید در نظر گرفت. فرایندها با ثبات اند ولی ارزش‌ها خیر. هر چند این گونه تصور بسیار ساده انگارانه است. کولیولی در اینجا به رده بندی همگانی<sup>۷</sup> اشاره می‌کند(همانجا: ۸-۷).

- 
- 1- Lexis
  - 2- Prédicative
  - 3- Enoncé
  - 4- Aspect
  - 5- Détermination
  - 6- Modalité
  - 7- Typologie générale

هر بار که زبان‌شناس برای بررسی بازنمودهایی که به متن منتهی می‌شود، بازنمودهای فرا‌زبان‌شناختی می‌سازد، مسئله ساخت نظام ارجاعی<sup>۱</sup> مطرح می‌شود. مسئله دیگر اینکه با نظامی سروکار داریم که از یک سو می‌توان آن را به صورت ثابتی تحلیل کرد ولی از سوی دیگر مختصه‌های شکل‌پذیری و تغییر شکل دارد. در این نظام، فرایندهایی<sup>۲</sup> وجود دارد که منجر به نوعی یکسان‌سازی می‌شود که برتری آن غیر قابل انکار است (هر بار که مشاهده می‌کنیم که این فرایندها چگونه در زبان‌ها عمل می‌کنند، متوجه می‌شویم که ابتدا با نقش یکسان‌سازی رو به رو هستیم و طبیعتاً اگر درکی از تغییر نداشته باشیم، یکسان‌سازی را نمی‌توانیم تبیین کنیم) از سوی دیگر رابطه متفاوت‌سازی صورت می‌گیرد. در این نظام رابطه‌های انعکاسی هم وجود دارد که ضرورتاً متقارن نیستند و بر اساس برخی ملاحظات به نوعی پیچیدگی می‌انجامند (همانجا: ۱۰-۹).

کولیولی این سوال را مطرح می‌کند که چرا در زبان‌شناسی پیچیدگی وجود دارد. پیچیدگی به دو دلیل وجود دارد. اول اینکه، با واج‌های نا همگن و با رابطه‌های تقابلی رو به رو هستیم که بر اساس بازنمودهای فرا‌زبان‌شناختی تولید می‌شوند و میان آنها باید نوعی همگنی وجود داشته باشد که بدون آن نمی‌توان چیزی تولید کرد، ولی از سوی دیگر نمی‌توانند کاملاً همگن باشند و گرنه دیگر ناهمگنی وجود نخواهد داشت. هم چنین پیچیدگی داریم زیرا بر اساس تعدادی اصطلاح، روابط، فرایندها و طرح‌ها و غیره، از یک سو به رابطه‌هایی می‌رسیم که از قبل قابل مشاهده نیستند، یعنی، نه فقط بی‌انتها خواهند بود بلکه هم زمان، همیشه تعجب برانگیزند، به ویژه، در مبحث اختلاط (ترکیب) و از سوی دیگر این امر آثاری پدید می‌آورد که در بیشتر موارد غیر قابل مشاهده هستند. کولیولی مطرح می‌کند که وقتی از غیر قابل مشاهده صحبت می‌کنیم، منظور این است که پس از مطالعه تعداد بیشماری زبان به موضوعی می‌رسیم که قبلاً به آن نیندیشیده‌ایم، در حالی که باید به ابزار نظری مجهز باشیم و از پیش همه چیز را سنجیده باشیم (همانجا: ۱۱-۱۲).

### ۳- چارچوب نظری و فلسفی کولیولی

دکله (۱۹۹۲) اظهار می‌کند نظریه کولیولی، به خصوص، در خارج از مرزهای فرانسه نظریه‌ای خاص تلقی می‌شود. این نظریه جایگاه خود را به خوبی در بین نظریه‌های زبانی باز می‌کند. یقیناً، نظریه کولیولی خاتمه نیافته و هنوز در حال ساخت است. مطالب مهمی که کولیولی پیشنهاد کرده بیانگر موضع‌گیری نظری در مورد ماهیت زبان و تجزیه و تحلیل زبان هاست. این نظریه به صورت یک اثر نظام‌مند ارائه نشده، ولی در کلام سازمان یافته است و به شیوه‌ای مستدل، مجموعه اصول، فرضیه‌ها و روش‌های خود را که برای توصیف زبان‌ها به کار می‌رود، مطرح می‌کند. بنابراین یکی از

<sup>۱</sup> - Système de référence

<sup>۲</sup> - Opérations

موانع بزرگ درک و توزیع این نظریه، پیکره زبانی گسترده، بزرگ و نا همگن آن است که به کمک مقاله‌ها و آثار کولیولی و کتاب‌ها و مقاله‌های همکاران اصلی ساخته شده است. در چارچوب نظری کولیولی به نظریه موضوع<sup>۱</sup> و نظریه مشاهده<sup>۲</sup> اشاره شده است. نظریه موضوع بیانگر عملکرد دوسویه تولید و بازساخت گویندگان زبانی است و از یکسو روابط بین زبان و عناصر فرازبانی و از سوی دیگر پیوند بین زبانشناسی و رشته‌های دیگر را در نظر می‌گیرد که موضوع این رشته‌های دیگر، به نوعی بیانگر رابطه بین گوینده با واقعیت است (شیروان، ۱۳۸۵: ۲۹-۴۱).

اورو اشاره می‌کند زمانی که کولیولی برنامه پژوهشی خود را به عنوان مطالعه زبان که از خلال گوناگونی زبان‌های طبیعی درک می‌شود، بیان می‌کند، دقیقاً نقش زبانشناسی همگانی را تعریف می‌کند (۱۹۹۲: ۳۹). میلنر بیان می‌کند که از دو راه می‌توان به مطالعه نظریه کولیولی دست یافت: یک راه متعالی است که نظریه در آن به صورت اندیشه‌ای درباره ذات هر زبان، آن گونه که صحبت می‌شود و در عین حال به صورت بازنمود، آن گونه که خود را می‌نمایاند، بازتاب می‌یابد. این همان مرحله‌ای است که به سوی فلسفه تفکر (روان) سوق داده می‌شود. راه دیگر تجربی است و نظریه به صورت مجموعه‌ای از عبارتهایی ظاهر می‌شود که جوهر احتمالی زبان‌های طبیعی را مد نظر قرار می‌دهد و این راه مد نظر ماست (۱۹۹۲: ۲۱).

اورو (۱۹۹۲) در مورد دیدگاه کولیولی بیان می‌کند که گفته زبانی را به عنوان نتیجه در نظر می‌گیریم و نه به عنوان یک بازنمود. مدت‌های مدیدی است که می‌دانیم در کنار محتوا، تفکر و زبان وجود دارد که محتوا را بسط می‌دهد و از این موضوع حمایت کرده‌ایم که برخی واحدهای زبانی در گفته، بازنمود تفکر هستند (رک. رابطه کلاسیک فعل رابط با جمله مثبت)، ولی این موضوع مد نظر ما نیست. صورت غیر مشخص که در گفته‌ای می‌بینیم نشانه یا بازنمود عملیات نیست، همان طور که نشانه "+" این طور است زمانی که می‌نویسیم:  $(1/20) +$ . در اصطلاح کولیولی، صورت، به عنوان اثر یا نشانگر عملیات بیان می‌شود (۴۵-۴۶).

#### ۴- بازشناسی رویکردها

یکی از سوال‌های اساسی فلسفه زبان به وسیله مسئله شناخت انتزاعی<sup>۳</sup> شکل می‌گیرد. مسئله انتزاع را به سادگی در علوم طبیعی مطرح می‌کنیم. از یکسو، پدیده‌های قابل مشاهده<sup>۴</sup> O، و از سوی

<sup>۱</sup>-Théorie de l'objet

<sup>۲</sup>- Théorie de l'observation

<sup>۳</sup>-Abstraction

<sup>۴</sup>- Observable

دیگر، شناخت<sup>۱</sup> این پدیده‌ها C است. مسئله انتزاع ارزش گذاری جایگاه رابطه O و C را در بر می‌گیرد. زبانشناسی و برخی علوم انسانی عنصری تکمیلی، مثل روح یا ابزار فکری را وارد می‌کند که به عنوان مجموعه عناصر<sup>۲</sup> M مد نظر قرار می‌گیرد. این مجموعه عناصر، خصوصیات زیر را دارا هستند:

- مکانیسم (روانی- اندامی)<sup>۳</sup> (PP) تولید کلام در نزد گوینده.

- بازنمودهای آگاهانه<sup>۴</sup> (RC) که گوینده از فعالیت‌های زبانی خود دارد (اورو، ۱۹۹۲: ۴۰).

اورو (۱۹۹۲) سه نوع موضع گیری را نام می‌برد که با آنها نظریه‌های اولیه متفاوت را

می‌توان بازشناخت:

- رویکرد هرمنوتیکی. این رویکرد بیان می‌کند که شناخت C با باز نمود آگاهانه یکسان است و علت تولید پدیده‌های قابل مشاهده است. این مفهوم در تصور سنتی قاعده دستوری که گوینده آگاهانه به کار می‌برد، وجود دارد. پیشرفت رویکرد هرمنوتیک مدیون نویسندگانی است که دیدگاه فلسفی داشتند یا برخی عقیده‌هایی که از فلسفه دوم ویتگنشتاین ناشی شده‌اند.

- رویکرد عینیت‌گرا. این رویکرد بیان می‌کند که شناخت، مجموعه نظریه‌های مربوط به پدیده‌های قابل شناخت است، مثل نظریه‌های فیزیکی. این نظر بیانگر نظر دستور تاریخی، نظر دستور تطبیقی و ساختگرایی بلومفیلد (و در برخی موارد، ساختارگرایی سوسوری) است. از فواید نظر عینیت‌گرا این است که می‌تواند از فرضیه‌هایی در مورد مجموعه پدیده‌ها گذر کند (رک. ساختارگرایان) و به سطح تایید کاملاً زبانشناختی دست یابد.

- رویکرد ذات‌گرا<sup>۵</sup>. این نظر بیانگر آن است که شناختی که خوب ایجاد شده است، یعنی علمی است همان نظریه پدیده‌های قابل شناخت است که با مکانیسم روانی- اندامی همگن است. کارآیی این رویکرد تنها بستگی به رابطه‌اش با پدیده‌های قابل مشاهده ندارد بلکه به تایید ماهیت مکانیسم‌های روانی- اندامی بستگی دارد. در واقع موضع ذات‌گرا قدیمی‌ترین موضعی است که در علوم زبانی یافت می‌شود: این همان موضع ارسطو است و منشا جدید آن بی شک چامسکی است، زمانی که زبانشناسی را به عنوان بخشی از روانشناسی در نظر می‌گیرد (یا هم چنین، زیست‌شناسی). به نظر اورو موضع چامسکی به دلیل حمایت از دستورهای (شناخت) یک زبان مشخص، مبهم است. این دستورها بر اساس کارایی‌شان (در ارتباط با پدیده‌های قابل مشاهده) ارزش گذاری می‌شوند، بنابراین بسیاری از دستورهایی که از نظر تجربی معادل هم هستند، کنار گذاشته نمی‌شوند.

<sup>۱</sup> - Connaissance

<sup>۲</sup> - Eléments

<sup>۳</sup> - Psycho-physiologique

<sup>۴</sup> - Représentations conscientes

<sup>۵</sup> - Substantialiste

اورو (۱۹۹۲) در جای دیگر بیان می‌کند که نظریه کولیولی را می‌توان در چارچوب کلی عینیت‌گرا معرفی کرد. مفاهیم وی نظریه عملیات را شامل می‌شود و نظریه عملیات قبل از او همیشه نظریه عملیات فکری بوده است. نظریه جدیدی که در این چارچوب قرار دارد و بسیار نزدیک به کولیولی است، نظریه گوستاو گیوم<sup>۱</sup> است که شامل روانشناسی یعنی نظریه روان در مسیر روانگرایی سنتی فرانسوی است. زبانشناسی خاص کولیولی بیانگر آن است که هیچ فرضیه روانشناختی ارائه ندهیم، به این معنا که روانشناسی حیطه روانشناس است و برای زبانشناسی قابل دستیابی نیست (همانجا: ۴۲). سیلون اورو اشاره می‌کند کولیولی، خود به پایه‌های علم شناختی ساختارگرایی وفادار است و تنها تفاوت‌های صورت را باز می‌شناسد و قویا با مفهوم بازنمود گرایی<sup>۲</sup> که در تاریخ علوم و فلسفه زبان برتری داشته است، قطع رابطه می‌کند. این مفهوم دارای سه ویژگی اساسی است:

- روانشناختی است، یعنی زبان و تفکر را در ارتباط با هم قرار می‌دهد. این رابطه زمینه‌ای فراهم می‌کند تا تمام توضیح‌های زبانشناختی را به سطح عنصر زبانی برساند که دارای مختصه‌ای است زیرا یک نشانه است و بیانگر عنصر تفکر می‌باشد.
- خطی است، یعنی ماهیت هر گفته و هر تفکر را به صورت زنجیره یا توالی دقیق و منظم عناصر در نظر می‌گیرد.
- در آخر، ایستا است، یعنی ارزش هر توالی، از ترکیب ارزش‌های اعضای مجموعه عناصرش به دست می‌آید (۱۹۹۲: ۴۵).

بنا به نظر وی نظریه کولیولی، نظریه بیانی<sup>۳</sup> است، امید وار بودن به یافتن عملیات نهفته در کار بیان از خلال صورت به ظاهر ساده گفته‌های روزمره (۱۹۷۸: ۱۵۵). مقایسه این نظریه با نظریه بیانی بنونیست که در درون مفهوم بازنمود گرایی زبان به طور سنتی باقی می‌ماند، نشان می‌دهد که کولیولی پیشنهاد گذر از آن را می‌کند (اورو، ۱۹۹۲: ۴۷).

## ۵- صوری سازی و نظریه کولیولی

کولیولی با بیان گذر از این مفهوم، امکان غیر خطی بودن ساخت گفته را در نظر می‌گیرد، زمانی که نظم سطحی نشانه‌ها حاکی از خطی بودن آن است. اورو در ادامه اشاره می‌کند که نتیجه این گذر آن چیزی است که باید به وسیله صوری سازی<sup>۴</sup> در نظریه زبانی درک کرد (همانجا: ۴۷). صوری سازی به این معنا است که تداوم نظریه (خارج از تداوم منطقی) به وسیله متغیرها جابه‌جا

<sup>۱</sup> - Gustave guillaume

<sup>۲</sup> - Représentationnaliste

<sup>۳</sup> - Théorie énonciative

<sup>۴</sup> - Formalisation

می‌شود و در نزد کولیولی مفهوم متغیر زبانی است که جایگاه همگانی‌ها را می‌گیرد. سوال مطرح این است که بدانیم چه چیزی را صورت بندی کنیم و در نتیجه چه چیزی را در نظر بگیریم (همانجا: ۴۸-۴۷).

زبان‌شناسان صورت‌نگرا عناصر زبان طبیعی را مد نظر قرار می‌دهند، آنها را تعریف می‌کنند، یا ایجاد می‌کنند. اولین کارهای چامسکی حاکی از این است که ساختگرایان به مختصه‌های صوری که در تشخیص زبان‌های طبیعی ضعیف هستند، علاقه چندانی ندارند. مونتاگ<sup>۱</sup> هم این مسئله را که تفاوت نظری مهمی بین زبان طبیعی و آنچه صوری و بدیهی است، وجود دارد رد می‌کند (همانجا "۴۹-۴۸). به این مسئله باید اشاره کرد که در زبان‌های طبیعی برای ساختارهای صوری عبارت‌ها، مدل‌هایی ارائه می‌شود. منطقی است که فکر کنیم این زبان‌ها مدل‌هایی نیز برای صورت‌گرایی فراهم می‌کنند. در این حالت منظور این نیست که ماهیت صوری زبان طبیعی را اصل قرار می‌دهیم (همانجا: ۴۹).

با توجه به این که صورت‌گرایی، صوری است، اورو بیان می‌کند که غالب نویسندگان دو سطح را در ساختار صوری زبان متمایز می‌کنند. سطح اول مربوط به واژگان نظری است که زبان‌شناس آن را می‌سازد، یعنی سطح مقوله‌ها. به نظر دکلر این سطح همان سطح دستور همگانی و صورت‌گرایی واقعی است. سطح دوم بیانگر واحدهای زبانی واقعی است، مثل اندیشه‌ها و واژگان. نظریه‌ای که بر پایه آن تفاوتی بین ماهیت زبان صوری و زبان طبیعی وجود ندارد (همانجا: ۴۹). در توضیح نظر اول اورو اشاره می‌کند که زبان‌های طبیعی، دارای ساختار صوری هستند. این همان نظریه‌ای است که دستور زایشی در مورد نحو از آن حمایت می‌کند. نظر دوم از این مسئله حمایت می‌کند که نظریه زبانی قابل صوری سازی است. نظر دوم از نظر اول بدید می‌آید ولی بر عکس آن صادق نیست. نظر دوم زمانی به کار می‌رود که زبان طبیعی خودش موضوع صوری داشته باشد. این امکان همیشه وجود دارد که بپذیریم که موضوع مورد نظر، برخی مختصه‌های گفته‌های زبان طبیعی است و اینکه قضیه‌های زبان‌شناختی بیانی‌هایی در مورد زبان هستند و نه در مورد گفته‌های زبان. موضع کولیولی نیز مسلماً در چارچوب نظر دوم قرار می‌گیرد. در نتیجه فرازبانی<sup>۲</sup> صوری که نظریه زبان‌شناس است نمی‌تواند معادل زبان طبیعی باشد، به این معنا که نمادها را نباید مثل برچسب، یعنی نوعی ترجمه اصطلاح به اصطلاح یک زبان در فرازبان و بر عکس در نظر گرفت (همانجا: ۵۲-۵۱).

<sup>۱</sup>- Montague

<sup>۲</sup>- Métalangage

## ۶- ساختار بندی فعالیت زبانی

به نظر کولیولی مشکل کلیدی زبانشناسی مشکل معنا یا مفهوم است. بدون طرح برخی فرضیه‌ها در مورد ماهیت و ساختار بندی آنچه فعالیت زبانی با آن تولید می‌شود، هیچ ساخت نظری نمی‌تواند بسط یابد. پیشنهادات کولیولی تمایل به جایگاه هستی‌شناسانه و در عین حال تجربی این ساخت‌ها دارد. در واقع نظریه از طریق کار تجربی، مفاهیم اساسی، یعنی صورت‌ها و عملیات استخراج می‌شوند و زبان به عنوان فعالیت ظهور می‌یابد. این مفاهیم به کمک نظام فرا زبانی تشریح می‌شوند (برونکار، ۱۹۹۵: ۳-۳۲۲). میلنر (۱۹۹۲: ۲۵) در این مورد اشاره می‌کند نظریه‌ای که بر اساس الگوها شکل می‌گیرد، می‌تواند خود را به صورت هدف اولیه در بازنمود خود نشان دهد که به طور هم زمان مختصه‌های متفاوت عناصر الگو را نشان می‌دهد. این الگوها مختصه‌های مشترکی دارند و عناصر آن مجموعه الگوهای واحد را تشکیل می‌دهند.

بنا به نظر میلنر زبانشناسی بیانی، فهرستی از صورت‌های گفته‌های ممکن را پوشش می‌دهد و داده‌های تجربی زبان‌ها در این یا آن صورت زبانی قرار می‌گیرند. زبانشناسی بیانی بر اساس روش بر نظریه عملیات ممکن استوار است و برای آنکه کاربردی تجربی دریافت کند، صورت اصلی بیانگر پیوستگی عملیات است (۱۹۹۲: ۷-۳۶). میلنر معتقد است نظریه‌ای را جدی می‌گیرند که برنامه‌های تحقیقی نو در آن پیشنهاد شود. در صورتی که این نظریه بتواند مسائلی را که انتظار حل آنها را داریم، فرمول بندی کند، می‌تواند ابراز کند که آینده‌ای دارد (همانجا: ۳۸).

وی در جای دیگر اشاره می‌کند این نظریه تحلیلی نیست. در صورت نیاز برای تحلیل می‌تواند خود را به نظریه‌های دیگر محدود کند. بنابراین نظریه کولیولی تحلیل نحوی نیست (همانجا: ۲۷). در این نظریه چگونه گفته‌ای از گفته دیگر متمایز می‌شود؟ هر گفته‌ای به کمک عملیات بیانی متمایز می‌شود. مختصه‌های مشترکی به واژگان تعلق دارد که تا حدودی ماده تکواژی-واژگانی را در بر می‌گیرد. واژگان عنصر صوری کمینه<sup>۱</sup> است و اجزای آن نمی‌توانند در رابطه‌ای ساده و مستقیم با اجزای تشکیل دهنده صورت بندی زبان طبیعی قرار گیرند. این رابطه تنها برای واژگان تخصیص داده شده<sup>۲</sup> امکان پذیر است (همانجا: ۲۵ و ۲۹).

اورو (۱۹۹۲: ۵۵) به تعریف کولیولی از مفهوم بنیادی<sup>۳</sup> اشاره می‌کند: مفهوم بنیادی نظامی پیچیده از بازنمود است که مختصه‌های فیزیکی-فرهنگی از نوع شناختی را مثل مفاهیم واژگانی، دستوری (نمود... و غیره) می‌سازد. مفهوم بنیادی قبل از مقوله سازی، یعنی به صورت اسم، فعل و غیره رخ می‌دهد و کمی پذیر نیست (کولیولی، ۱۹۸۹: ۸). همان طور که اشاره شد، به نظر کولیولی مسئله معنا در زبانشناسی بسیار مهم است و سطح فرا زبانی ژرف ساختی از تصورات و روابطی

<sup>۱</sup> - Entité formelle minimale

<sup>۲</sup> - Lexis instanciée

<sup>۳</sup> - Notion

ترکیب شده است که مفاهیم بنیادی را توصیف می‌کند. این تصورات ماهیت‌های شناختی هستند که در واقع از تولید تصاویر فردی و بازنمودهای اجتماعی- فرهنگی ناشی می‌شوند و نوعی سازمان بندی دارند که مجموعه‌های سامان یافته مفاهیم بنیادی را ارائه می‌دهند، و در شبکه روابط اولیه وارد می‌شوند (برونکار: ۱۹۹۵ : ۳۲۳). به نظر وی مفهوم رابطه حاکی از این است که بین تصورها رابطه‌هایی قانونمند وجود دارد که در ساخت ارزش‌های دلالتی<sup>۱</sup> و مقوله‌های دستوری جایگاه اساسی خواهند داشت. بنابر این، این مفهوم به ساختار بندی خاصی ارجاع می‌دهد که باید به ماهیت‌های شناختی اجازه دهد تا آنها بتوانند در زبان قالب‌گیری شوند. به نظر کولیولی، زمانی که تصورها در ساختارهای زبانشناختی وارد می‌شوند، خالص نیستند، برخی روابط از قبل برای آنها وجود دارد که تا حدودی عملکرد دستوری را شکل خواهند داد. در بین این روابط، کولیولی به ویژه در وضعیت فعلی نظریه، روابط موقعیت مکانی، مثل رابطه درونی- بیرونی، نشانه یابی<sup>۲</sup> یا یکسان سازی بین تصورها و روابط عاملیت تمایز ایجاد می‌کند که خود باعث تمایز عامل و تأثیر پذیر، و هم چنین، ارزش‌های نمودی ژرف، از نوع عمل کامل و عمل غیر کامل می‌شود (همانجا: ۴-۳۲۳).

برونکار (۱۹۹۵) اشاره می‌کند در ژرف ترین سطح، تصورهایی وجود دارند که دارای روابط ابتدایی<sup>۳</sup> هستند و در ساختارهای زبانشناختی در چارچوب موقعیت کلام خاص وارد می‌شوند. این موقعیت کلام در انتخاب و ترکیب تصورها در نقش شرایطی عمل می‌کنند که گفته در آنها تولید می‌شود. پیشنهاد کولیولی مبنی بر غیر ممکن بودن ساخت در خارج از هر ارجاع به شرایط کلامی و شبکه‌های معنایی موجود در هر جا و همیشه بسیار مهم است. بنابراین معنا شناسی همگانی ممکن نیست و هر تصویری دارای امکان‌های عملکردی است، انتخاب یکی از این امکان‌ها، در زمان تولید گفته تعیین می‌شود. همان‌طور که راولت<sup>۴</sup> تأیید می‌کند در زمان تولید کلام، طبقه‌های تصورها خلق و برخی روابط بین این طبقه‌ها ارزش گذاری می‌شوند. طبقه‌ها و روابط که آنها را مرتبط می‌سازد، دائمی و از پیش تعیین شده نیستند: آنها از شرایط تولید کلام ناشی می‌شوند<sup>۴</sup> (۳۲۴).

اورو نظر کولیولی را در مورد قلمرو مفهومی این گونه بیان می‌کند که تصورها از طریق رویدادها درک می‌شوند، یعنی از طریق رویدادهای بیانی (۱۹۹۲: ۵۵). میلنر (۱۹۹۲) معتقد است که می‌توان صورت‌گرایی کولیولی را بخشی از صورت‌گرایی گشتاری در نظر گرفت، با توجه به این که ترکیب واژگان که از طریق نظریه ممکن می‌شود، مختصه‌های گشتاری همگانی شده دارد. گشتارهای اشتقاق بیانی از گشتارهای نحوی چامسکی متفاوت است. گشتارهای نحوی سازه‌ها را

<sup>۱</sup> - Valeurs référentielles

<sup>۲</sup> - Repérage

<sup>۳</sup> - Relations primitives

<sup>۴</sup> - Rouault

بررسی می‌کند، یعنی ماده تکواژی- واژگانی که دارای پراتنر برچسب دار است. این نظریه تجزیه و تحلیل نحوی است. در مقابل، گشتارهای بیانی، ماهیتی را بررسی می‌کند که کاملاً صوری است و قصد تحلیل ماده تکواژی- واژگانی را ندارد (۳۰-۲۹).

دکله (۱۹۹۲) در جای دیگر اشاره می‌کند که نباید مقوله‌های دستوری را با اجزای کلام و حتی کمتر با مقوله‌های تکواژی- نحوی زبان‌ها اشتباه گرفت. این مقوله‌ها خاص زبان‌های طبیعی هستند و عهده دار پیچیدگی‌هایی (تکواژی- نحوی، معنایی و کاربرد شناختی) هستند که می‌توان در آنها مشاهده کرد. این مقوله‌ها، مقوله‌های دستوری زمان، مکان، نمود، وابسته‌های دستوری، ضمائر، اشاره‌ها و غیره را در بر می‌گیرد. قلمرو این مقوله‌ها را باید طی کرد تا به گونه‌ای نظم احتمالی پدید آید. تمام زبان‌های طبیعی بر اساس این مقوله‌های دستوری متنوع و گوناگون سازمان یافته‌اند. مطالعه منظم آنها از این نظر مهم است تا تولیدات پیچیده بین بخش‌های مختلف زبان‌شناسی و رشته‌های دیگر شناخت (فلسفه و روانشناسی، منطق و هوش مصنوعی) نظریه‌سازی شود (۲۰۵).

### ۷- نظریه عملیات

به طور کلی عملیات بستگی به مجموعه‌های ابتدایی و پایانی و طریقه کاربرد آنها دارد. عملیات باید بتواند از روی آنچه عمل می‌کند، دریافت شود، یعنی عملیات می‌تواند به وسیله مختصه‌های صوری (تعبیر یافتگی، انتقال یافتگی، تفارق...) مشخص شود. مختصه هر عمل زبانی رسیدن به ارزش‌های متفاوت است زمانی که برای عناصر متفاوت به کار می‌رود. اشاره به این که صورت‌های زبانی، نشانه‌های عملیات هستند و نه خود عملیات (اورو ۱۹۹۲: ۵۴). کمتر احتمال دارد که این صورت‌ها بتوانند اصطلاح‌های عملیات باشند یا دست کم، روشن است که باید اصطلاح‌هایی وجود داشته باشد که صورت‌های زبانی نیستند (همانجا: ۵۵). اورو اشاره می‌کند که کولیولی سه سطح را در نظریه عملیات از یکدیگر متمایز می‌کند: موضوع روانشناسی به سطح ۱ مربوط می‌شود، و آنچه قابل مشاهده است، یعنی صورت‌های زبانی در سطح ۲ قرار دارد که باز نموده‌های زبانی است و نظریه زبانی در سطح ۳، سطح باز نموده‌های فرازبانی است. باید رابطه عملیات و نشانگرها<sup>۱</sup> را به کمک ساخت زبانشناختی نشان داد (همانجا: ۳-۴۲). اصطلاح‌های نظری گیوم شامل فکر، عقیده، تصویر و غیره مستقیماً به سطح ۱ ارجاع داده می‌شود و فکرگرا هستند. این اصطلاح‌ها در نوشته‌های کولیولی وجود ندارند. اصطلاح‌هایی که خیلی نزدیک هستند، مثل تصور یا مفهوم بنیادی<sup>۲</sup> که محتوای دیگری دارند (همانجا: ۴۳). اورو در ادامه اشاره به مفهوم نشانگر در نزد کولیولی

<sup>۱</sup>-Marqueurs

<sup>۲</sup>- Notion

می‌کند. مفهوم نشانگر در تقابل با نشانه به مفهوم سوسوری، برای مثال باید به دو صورت تفسیر شود: الف) اگر در بافتی معین دو صورت متفاوت وجود داشته باشد، این صورت‌ها نشانگرهای دو عملیات متفاوت هستند و متقابلاً صورت‌ها می‌توانند ارزش داشته باشند. از راه‌های زیادی می‌توان به یک ارزش با عملیات متفاوت رسید، مثل عمل ابتدایی و اساسی حساب. ب) اگر در بافت‌های متفاوت، همان صورت، ارزش‌های متفاوت بگیرد، بنابراین هر یک از رویدادهای صورت نشانگر حداقل یک عملیات متفاوت است (۴۶).

اورو بیان می‌کند که در چارچوب این نظریه، عمل تعیین<sup>۱</sup> با عملیات استخراج<sup>۲</sup>، اشاره<sup>۳</sup> و رجعت به نوع<sup>۴</sup> مشخص می‌شود. در ریاضیات، عملیات کاربردی در مجموعه‌ای از یک مجموعه که از دو مجموعه تولید شده و در نظمی معین قرار گرفته است، یا بر حسب نظر ویتگنشتاین بیانگر رابطه‌ای بین ساختارهای نتیجه آن رابطه و ساختارهای پایه هایش است. در روانشناسی، عملیات عملی است که درونی شده و قابل بازگشت است و با عمل‌های دیگر که همبسته شده، ساختاری را می‌سازد که به وسیله قوانین کلیت مشخص می‌شود. آشکار است که در زبانشناسی، عملیات باید بیشتر خود را به آنچه که در روانشناسی است، نزدیک کند تا به آنچه در ریاضیات است (همانجا: ۴-۵۳).

## ۸- پایان سخن

نظریه آنتوان کولیولی خطوط فلسفی و علم شناختی خود را بر اساس مقوله‌های دستوری زبان‌های طبیعی ارائه می‌دهد. این نظریه از دیدگاه‌های مختلف، بر مبنای جایگاه‌های نحوی، از دیدگاه علم-شناختی و در چارچوب زبانشناسی همگانی مورد بررسی قرار گرفته است. نقش زبانشناس توضیح مجموعه گفته‌هایی است که ساخته می‌شود. گفته، واژگان و رابطه اسنادی نیست. کولیولی در صحبت از پیچیدگی در زبان به عناصر ناهمگن، بازنمودهای فرا شناختی و اصطلاح‌ها از یکسو و رابطه‌هایی که از پیش قابل مشاهده نیستند، اشاره می‌کند. پیشنهادات کولیولی در مورد ماهیت زبان و تجزیه و تحلیل زبان‌ها است و هنوز در حال شکل‌گیری است.

اورو به این مطلب اشاره می‌کند که نظریه کولیولی بیانگر تفسیری است که کاملاً اسم‌گرا<sup>۵</sup> است، یعنی می‌توان ماهیتی مثل مفهوم بنیادی را به عنوان روش ساده‌ای برای تعیین شدت

<sup>۱</sup> - Détermination

<sup>۲</sup> - Extraction

<sup>۳</sup> - Fléchage

<sup>۴</sup> - Parcours

<sup>۵</sup> - Nominaliste

گروه بندی برخی گفته‌ها در نظر گرفت. این نظریه همان طور که قبلا اشاره شد، عینیت‌گرا محسوب می‌شود (همانجا: ۵۷).

### منابع

- فوکس، ک. و گوفیک، پ. (۱۳۸۵) "مدل کولیولی"، ترجمه، ژینوس شیروان، فصلنامه پازند، سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۵، ۲۹-۴۱.

- **Auroux, S.** (1992) "La philosophie linguistique d'Antoine Culioli", *La théorie d'Antoine Culioli: Ouvertures et incidences*, Ophrys, 39-57.
- **Bronckart, J.P.** (1995) *Théorie du langage: Une introduction critique*, Mardaga.
- **Culioli, A.** (1992) Ouverture, *La théorie d'Antoine Culioli: Ouvertures et incidences*, Ophrys, 3-15.
- **Desclés, J.P.** (1992) Au sujet des catégories grammaticales, *La théorie d'Antoine Culioli: Ouvertures et incidences*, Ophrys, 203-212.
- **Milner, J.C.** (1992) De quelques aspects de la théories d'Antoine Culioli, *La théorie d'Antoine Culioli: Ouvertures et incidences*, Ophrys, 19-59.